

## مبايعه نامه‌ای به خط تعليق از دوره تیموری

سید محمد صادق ابراهیمیان

### چکیده

از روزگاران قدیم و شاید از هزار سال پیش تاکنون، آستانه‌ها، اماکن متبرکه، خانقاه‌ها، مزارات امامزادگان، شیوخ، اقطاب و درویش در جای‌جای فلات پهناور ایران زمین، موردعنايت ویژه نه‌تنها بومیان و ساکنان فرودست جامعه بوده بلکه حتی توجه طبقه فرادست چون پادشاهان، حاکمان ولایات و عمال حکومتی، دیوانیان و محصلین مالیاتی را نیز - ولو به‌خاطر کسب و بسط مشروعیت- به خود جلب کرده بودند. بارزترین تجلی این اعتقادات دیرین در مقوله وقف املاک و مستغلات و بذل وجوهات و نذورات و هدایا بوده است که بر حسب نیات واقفان جهت مصارف خاص، بروز و ظهور می‌یافته است. اما به‌موازات و در کنار این سنت پسندیده اعتقادی که با ایجاد و بنای مزارات همراه بوده است، شاهد گسترش ساخت و تعمیر آستانه‌هایی بر مرقده درگذشتگان مورد احترام بوده‌ایم که در نوع خود به‌عنوان موزه‌هایی از هنر و با استعانت از خلاقیت هنروران این آب و خاک، برخوردار از تنوع هنر معماری، بنایی، نجاری، آجرکاری و کاشی‌کاری و غیره شده است. کارکرد این آستانه‌ها جنبه مغفول دیگری هم دارد و آن عملکرد اماکنی از این دست، به‌عنوان بایگانی و آرشیو محلی و منطقه‌ای است که تاکنون به دلایلی کمتر به آن پرداخته شده است. در صندوق خانه‌های این آستانه‌ها علاوه بر سایر اشیاء، اسناد زیادی نیز از دیر باز نگهداری می‌شده‌اند. از شاخص‌ترین این اماکن در ایران، گذشته از آستان قدس رضوی، می‌توان از آستانه حضرت معصومه (س) و شاهچراغ (ع) و شیخ صفی و غیره نام برد. از جمله این مزارات، آستانه سید حسن ولی در روستای نیاک از توابع بخش لاریجان آمل است که در این مقاله به معرفی سندی که در آنجا نگهداری می‌شود، می‌پردازیم.

### کلیدواژه‌ها

مزارات متبرکه؛ آستانه‌ها؛ آرشیو؛ کتابت اسناد؛ خط تعليق؛ مبايعه نامه؛ لاریجان آمل؛ طوایف و روستاها.

## مبایعه‌نامه‌ای به خط تعلیق از دوره تیموری

سید محمد صادق ابراهیمیان<sup>۱</sup>

### مقدمه

حفظ و نگهداری اسناد از کارکردهای جنبی آستانه‌های امامزادگان و بزرگان بوده است. یکی از این امامزادگان، تاج‌الدین سید حسن ولی (تولد: ۷۹۳ ق. - وفات: ۸۶۵ ق.) است، که مزارش از قرون گذشته مورد احترام و تعظیم اهالی بوده، امامزاده‌ای صاحب کرامت و با ورع از سادات حسنی که شجره‌اش با چند واسطه به امام حسن مجتبی -علیه‌السلام- می‌رسد. بقعه این امامزاده در قلب روستای «نیاک» از توابع بخش دهستان بالا لاریجان آمل واقع شده است.

### معرفی سند

سند حاضر در هفده سطر به خط تعلیق کتابت شده است و در سجلات آن علاوه بر نام کاتب، اسامی شش نفر از بزرگان آن عهد به‌عنوان شاهد قید شده است. ابعاد دقیق سند به‌علت عدم دسترسی به اصل، بر نگارنده مکشوف نیست، اما از رونوشت سند بر می‌آید که روی کاغذی کم‌عرض کتابت شده و اثرات تاخوردگی فراوان نیز در آن مشهود است.

عدم استفاده از هرگونه مهر حتی توسط قاضی و کاتب و همچنین طرفین معاهده و شهود، نشانگر عدم عمومیت استفاده از امهار در دوران کتابت سند است و این با یافته‌های محققان که فراگیر شدن کاربرد مهر را از اواخر قرن نهم هجری می‌دانند، همخوانی دارد. خط تعلیق به‌کاررفته در سند نسبتاً خوانا و با مهارت نگارش یافته و این معنی عمومیت و رواج خط تعلیق

۱. کارشناسی‌ارشد نسخ‌خطی،  
کارشناس اداره کل تنظیم و پردازش.  
Shyyadeh52@gmail.com



را می‌رساند که تقریباً از اوایل قرن هفتم هجری تا اواسط قرن یازدهم هجری به طول بیش از چهار قرن در مکاتبات دیوانی و نگارش نامه‌ها و اسناد شرعی شیوعی تام داشت. رواج این خط در نگارش عامه تا بدان حد شیوع داشت که نام دیگر آن را «نامه» گذاشته بودند. تعلیق در لغت درآویختگی را گویند و در عرف و اصطلاح خوشنویسان و خط‌شناسان به خطی اطلاق می‌شود که از ترکیب و توسعه دو خط «رقاع» و «توقیع» و تحت‌تأثیر سایر خطوط باستانی ایران، به‌وجود آمده است. در این خط دور زیاد و سطح اتکا به زمینه بسیار کم بوده تا جایی که از شش‌دانگ قلم فقط یک دانگ آن در کتابت بر سطح نشسته و پنج دانگ آن دور قلم است. شاعر نامی قرن نهم هجری مولانا جامی، آورده است:

کاتبان را هفت خط باشد به طرز مختلف

ثلث و ریحان و محقق، نسخ و توقیع و رقاع

بعد از آن «تعلیق» آن خطست کش اهل عجم

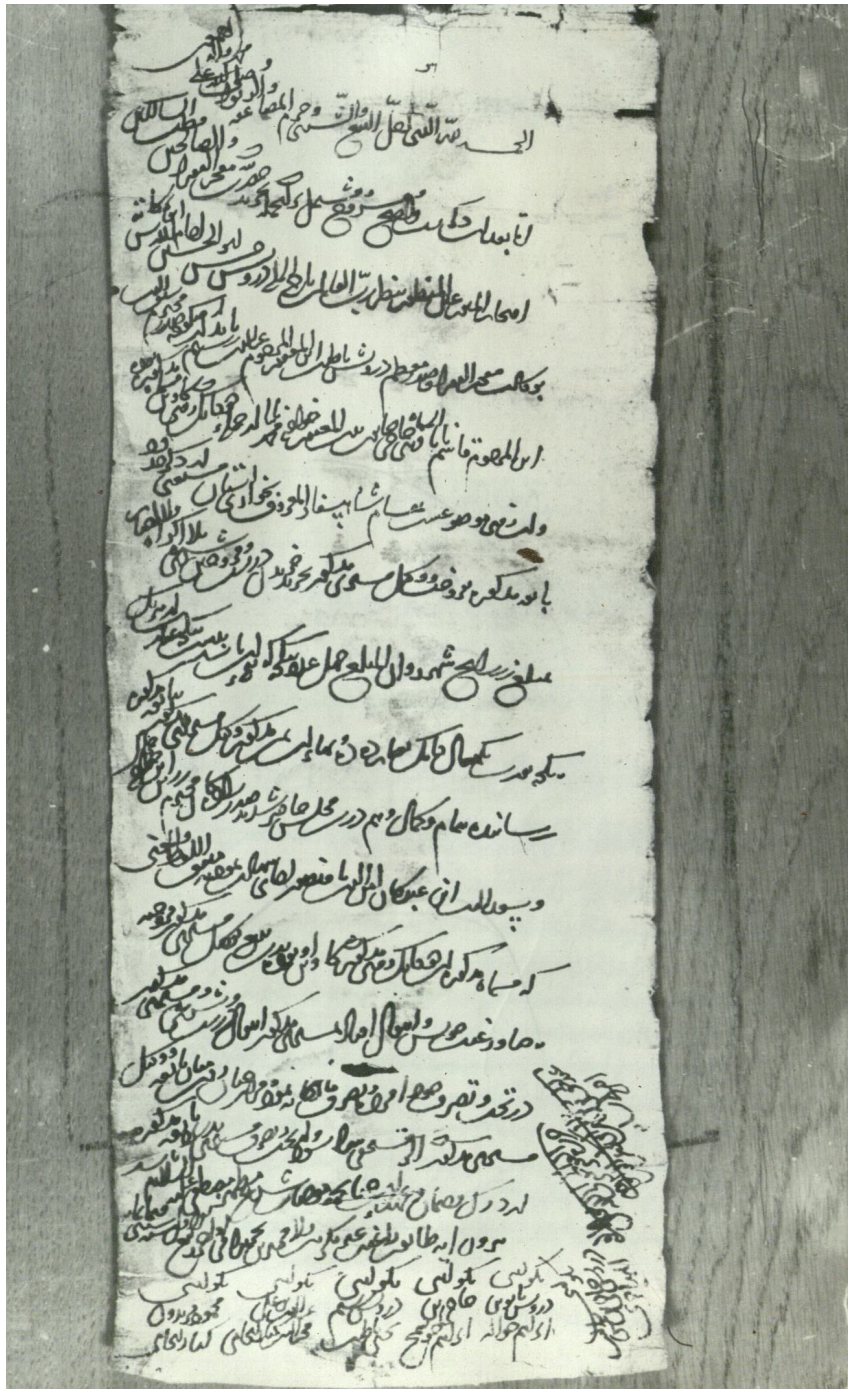
از خط توقیع استنباط کردند اختراع

(حبیبی، ۱۳۵۵، ص ۹۸)

در این شعر اشاره شد که ایرانیان (عجم) مبدع این خط بوده‌اند. خط تعلیق در قرن دهم و با مهارت و چیرگی خواجه اختیارالدین منشی جنابذی- از کاتبان و منشیان دربار شاه تهماسب صفوی- به نقطهٔ اوج زیبایی و اشتهار دست یافت در حقیقت همان‌طور که بعدها در دو خط نستعلیق و شکسته نستعلیق قلّهٔ زیبایی‌ها و رقص قلم به‌نام استادانی چون میرعماد حسنی و درویش عبدالمجید طالقانی رقم خورده، در این خط خواجه اختیار بارزترین خوشنویس است.



بازخوانی سند و تعلیقات آن



۱. برگرفته از آیه شریفه ۲۷۵ سوره مبارکه بقره.

۲. باطیب -باطب- باطبی: نام طایفه‌ای از باشندگان قدیم لاریجان یا تمرکز روستاهای نوا-ایرا- نیاک و اطراف که بازماندگان آنان اکنون به باطبی شهرت دارند.

۳. شاه اسپاد - شاه اسفاد: ظاهراً برگرفته از نام یکی از پادشاهان یا بزرگان سلسله یا دوسایان مازندران که آخرین فرمانروای این سلسله- ملک بهمن رستمدراری یادوسیانی- در سال ۱۰۰۶ ق. تسلیم سیاه شاه عباس صفوی شد.

۴. خواری استان- خواری استان: مرکب از دو کلمه «خواری»؛ خواری به معنی تیغ و خار و «استان» به معنای پسوند مکانی و در مجموع به معنی خارزار یا خارستان؛ مکان رویش درختچه‌های خاردار؛ که در طبری «تلی گله و تلی چار» نیز گویند.

۵. شهر روان یا رویان: شهری در کجور مازندران و مرکز حکومت رستمدراری که تا سال‌های میانی قرن نهم هجری آباد بود و شاید نیز به معنای سکه‌ای که در شهر روان و رایج است؛ سکه‌ای که توسط شاه رایج گشته است.

۶. تنکه، به صورت تنکجه یا تنکچه نیز در متون اسنادی آمده است؛ واحد پول دوره تیموری و پس از آن؛ همانند آقچه یا آقچه و آقجه که بیشتر واحد مسکوکات دوره سلجوقی است.

۷. «نیم آن باشد بیست تنکه»: رسمی کهن در انشای قبایله‌جات که توسط کاتبان تا سالیان اخیر رعایت می‌شد و اغلب اصل نهن معامله را به سیاق در بالای سطر و نیم آن را آن هم به سیاق در پایین سطر برای جلوگیری از امکان جعل و تغییر می‌نوشتند.

۸. کنار انجام -کنار انگام: نام آبادی و طایفه‌ای در لاریجان آمل؛ برگرفته از لغت کنارنگ به معنی مرزبان؛ کیا ودلیز.

۹. خوش‌مج: لغتی طبری برای بیان شیک‌پوشی و به اصطلاح به سر و وضع خود رسیدن؛ در مواردی به کسانی که در پیاده‌روی مهارت و سرعت دارند نیز اطلاق می‌شود (فلانی خله خوش مجنه).

۱۰. خطیب: نام روستایی در بخش لاله‌آباد بابل و نیز نام طایفه و پسوند خانوادگی ساکنان آن که بیلاقشان در روستاهای لاریجان بوده است.

۱ | هو

۲- «الحمد لله الذی احلّ البیع و الشّری و حرّم المضاعفه و الرّبوا»<sup>۱</sup> و صلی الله علی محمّد و آله اجمعین. ۳- اما بعد؛ این ذکر بیست واضح و مشروح مشتمل بر این جمله که بخیرید، حضرت سرکار مفخّر الفقرا و الصّالحین قطب السّالکین ۴- افتخار المتورّعین المنظور بنظر ربّ العالمین تاج الملّه درویش حسن ابوالحسین- ادام الله انفاص برکاته- ۵- به وکالت مفخّر الفقراء صدر معظّم درویش باطیب<sup>۲</sup> ابن المغفور المرحوم عزّ الدّین رستم نامدار [نامدار ؟]؛ از منکوحه صدر محترم سیف الدّین ۶- ابن المرحوم قاسم بابا وهی المسمّاء حاجی خاتون بنت المغفور خواجه محمّدبابا از جمله دو دانگ زمین که کاوین مسمّاء مذکوره بود؛ ۷- و این زمین موضوعست به مقام شاهسفاد<sup>۳</sup> المعروف به خواری استان<sup>۴</sup> مستغنی از ذکر حدود؛ ۸- بایعه مذکوره بفروخت و وکیل مشتری مذکور بخیرید خریدن درست و فروختن شرعی بلا اکراه و الاجبار؛ ۹- به مبلغ زر رایج شهرروان<sup>۵</sup> المبلغ چهل عدد تنکه<sup>۶</sup> که نیمه آن باشد بیست تنکه<sup>۷</sup> عبارت از هر یک ۱۰۱- تنکه به وزن یک مثقال [و] دانگ به عیار ده ده؛ و بهای این ثمن مذکور وکیل مشتری مذکور به بایعه مذکوره ۱۱- رسانیده به تمام و کمال. و هم در این مجلس حاضر شدند صدرزادگان محترم زرین ابن خواجه جمال ۱۲- و سعد الدّین ابن عبدکان امین الدّین با متعلّقه؛ ادای شهادت نمودند متفق اللفظ و المعنی ۱۳- که مسمّاء مذکوره این دو دانگ زمین مذکور که کاوین او بوده، برین بیع به وکیل مشتری مذکور فروخته؛ ۱۴- به رضا و رغبت خویش و انتقال افتاد به مشتری مذکور انتقال درست و شرعی و مشتری مذکور ۱۵- در تحت و تصرف خود آورده و تصرف مالکانه نمود و مراتب چنان رفت میان بایعه و وکیل ۱۶- مشتری مذکور که اگر مستحقّی پیدا شود و از تحت تصرف مشتری به در برد بایعه مذکوره ۱۷- از درک و ضمان و عهده این، چنان چه مقضای شرع مطهر مصطفی- علیه السّلام- باشد ۱۸- بیرون آید. «طابعین راغبین غیر مکرهین و لا مجبرین» تحریراً فی اواخر ربیع الاول سنه ستین وثمانماته.

### [سجلات سند]:

- ۱- به گواهی محمود فریدون کنارانجامی<sup>۱</sup>.
- ۲- به گواهی عزّ الدّین بن علی فخر الدّین کنارانجامی.
- ۳- به گواهی درویش رستم یحیی باطیب.
- ۴- به گواهی حاجی بن ابراهیم خوش مج<sup>۲</sup>.
- ۵- به گواهی درویش بابوین ابراهیم حواله (جوالی؟).
- ۶- به گواهی درویش حاجی بن حسن خطیب<sup>۳</sup> المهاجری.



۷- حرّره الفقير الحقيير الى الله تعالى العنّى، عبدالحق فخرالدّين ابن كريم الدّين نوایى<sup>۱</sup>  
اصلح شأنه.



## منابع

- قرآن كريم.
- فضائلى، حبيب الله (۱۳۶۲). *اطلس خط*. اصفهان: انتشارات مشعل اصفهان چاپ دوم.
- حبيبي، عبدالحى (۱۳۵۵). *هنر در عهد تيمورى و متفرعات آن*. تهران: انتشارات بنياد فرهنگ.

۱. نوا: روستايى بيلاقى و خوش آبوهوا در لاريجان آمل كه ساكنان آن علاوه بر كتابت و خوشنويسى و خط، در صنايع متداول قديم مهارت داشتند (معمارى، نجارى، خراطى و غيره). اگرچه برخى آنان را از اخلاف امير عيشير نوایى وزير خوشنما دوره اواخر تيمورى مى دانند اما با توجه به تاريخ اين سند، قدمت سكونت نوایى ها به قبل از تولد امير عيشير مى رسد.

